

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۰۳ دسمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

اگر دزد شوم



امروز صبح کړتۍام را در پارک روی شاخه درخت آویخته خود لحظه‌ای قدم زده و ورزش کردم. پسان‌تر دیدم که جای کړتۍ خالی است. مأمور شاروالی گفت دیده است یک آدم قد بلند که لباس سیاه داشته کړتۍ را گرفته از پارک برآمده است. مأمور گفت فکر کردم او صاحب کړتۍ است.

یک ساعت بعد به تلفونم که در جیب کړتۍ بود تماس گرفتم، جواب داده گفت پیش پارک بیا کړتۍات را بگیر. رفتم کړتۍ را پس داد و پرسید که چک کنید چیزی کم نباشد. شیرینی تعارف کردم، نگرفت.

تعجب کردم. نمی‌دانم تأثیر تلفون بوده یا این کلۍ بند تسبیح‌دار. تلفون گلکسی از مد افتاده ۲۰۱۷ است که چند نفر از دوستان از دو سال به‌این‌سو کمپاین دارند و می‌گویند "توبه‌اش قبول شده ایلاش کن"، ولی من می‌گویم نی نارفقی خوب نیست. تا وقتی جان دارد و کار می‌کند

باهم اندیوالیم. زنگ می‌زند، انترنیت می‌پذیرد، عکس می‌گیرد، ایمیل و وتساپ را باز می‌کند، به چه دلیل دور بیندزام؟ باهم رفیقیم. من به او می‌رسم. ذهنش را بیروبار نمی‌کنم. هرچند وقت یکبار حافظه‌اش را می‌شویم و نظم می‌دهم، شیشه محافظ، پوش و بتری‌اش را هنگام ضرورت تبدیل می‌کنم، از زورش بیشتر بار نمی‌کنم. او نیز مثل یک دوست قدیمی محکم کنارم ایستاده است.

به دُم کلیدم یک تسبیح ده مهره‌ای بند است (تسبیح ملاهای دیگر تاق است، از من جفت). نمی‌دانم آدم از تسبیح ترسیده یا از تیلیفون حدس زده است که مال این مهاجر خوردنی نیست. کارت‌ها، تیلیفون، کلید، کرتی، چند روپیه پول نقد و حتی سکه‌های میده را دست‌نزدۀ برگرداند.

صبح وقتی از پارک بیرون می‌شدم به محافظ گفتم اگر کسی اینجا کارت و تیلیفون کهنه یافت و به شما تحویل داد مال من است. برایش قصه کردم که کرتی‌ام گم شده است. تعجب کرد و گفت دزد بیکار نیست کارت و تیلیفون تو را برگرداند. برای تأکید گفتم اینجا ستانبول است، قریه نیست!

اما یک‌ساعت بعد در بیست متری غرفه همان محافظ کرتی و تمام ضمائم را تحویل گرفتم. تحویل‌دهنده آدم میان سال خوش‌تیپ بود. یگان تار ریش کوتاهش سفید شده بود. پیش خود گفتم اگر من دزد شدم، مثل او می‌شوم. کاش طالبان وقتی حکومت را زدند، خسرگی نمی‌کردند؛ چوکی‌های کلان، دالرها و تفنگ‌ها را می‌گرفتند ولی نان غریب، معاش معلم، مکتب دختران، شادی اطفال و آزادی جوانان را پس داده می‌گفتند چک کنید چیزی کم نیست؟